



اگر سازمان محیط زیست نباشد

این روزها هر پروژه و طرحی که افتتاح می شود، یاد استاد سرشناس محیط زیست می افتد که گفت: «نمی دانم چرا ما ایرانی ها اینقدر به زباله ها، جاده ها و پالایشگاه هایمان عشق می ورزیم؟»

این روزها هر پروژه و طرحی که افتتاح می شود، یاد استاد سرشناس محیط زیست می افتد که گفت: «نمی دانم چرا ما ایرانی ها اینقدر به زباله ها، جاده ها و پالایشگاه هایمان عشق می ورزیم؟»

ما زباله هایمان را در بهترین و زیباترین مناطق طبیعی کشور رها می کنیم و جاده ها، پالایشگاه ها و صنایع را هم در بی نظیرترین چشم اندازهای طبیعی کشور می سازیم! این سخن مال آن روزی است که اعلام شد قرار است در جنگل های گیلان پتروشیمی ساخته شود. از آن روز سال ها می گذرد اما هفته ای نیست که این جمله استاد محیط زیست یادمان نیاید. حالا هم بهانه اش کارخانه سیمانی است که در زون حفاظتی پارک ملی گلستان و در دل جنگل ساخته شده و راه آهنی که قرار است از کنار تالاب های استان گلستان بگذرد و ارزیابی زیست محیطی ندارد. البته خبر رهاسازی انبوه زباله در ساحل محمود آباد و دفن میلیون ها تن زباله در جنگل را هم به آن اضافه کنید تا ببینید چه کشیده ایم در این چند روز.

بازگردیم به همان پروژه کارخانه سیمان؛ اصولا پارک ملی به منطقه ای گفته می شود که به دلیل شرایط منحصر به فرد زیست محیطی برای آن کشور، تابع قوانین خاصی است؛ از جمله اینکه هرگونه ساخت و ساز یا استقرار کارخانه و... در این پارک ها ممنوع است و حتی رفت و آمد در این پارک ها هم تحت شرایط خاصی به صورت کنترل شده باید صورت بگیرد، اما این روزها نه تنها در مهم ترین پارک ملی ایران کارخانه سیمان افتتاح می شود، که جاده سازی وسیعی نیز در آن صورت می گیرد. کمی آن سوتر از این پارک، قرار است در پناهگاه حیات وحش میانکاله پالایشگاه ساخته شود، دفن زباله در جنگل با شدت ادامه می یابد و خبر رسیده که ساخت خط آهنی که از استان گلستان و از کنار 4 تالاب آن می گذرد، ارزیابی زیست محیطی ندارد. فارغ از مشکلات زیست محیطی پروژه های دیگر، در ارتباط با همین چند پروژه آیا جای آن نیست که بپرسیم جایگاه سازمان حفاظت محیط زیست در این پروژه ها کجاست؟ چطور مجوز ساخت چنین پروژه هایی داده می شود و صدایی از این سازمان بر نمی آید؟ اصولا اگر سازمان محیط زیست عناوینی چون پارک ملی یا منطقه حفاظت شده را حذف کند آیا اتفاقی ناگوارتر از امروز برای این مناطق می افتد؟

توسعه غیرمسئولانه و بدون توجه به اثرات زیست محیطی، البته این روزها سازمان محیط زیست را به خود مشغول کرده است؛ نمونه آن، سدسازی و بی توجهی به حقایق دریایچه ارومیه است، چنان که امروز این دریایچه در حال تبدیل شدن به کویر است. حال سازمان محیط زیست باید میلیاردها تومان بودجه صرف کند تا وضعیت این دریایچه را کمی بهبود بخشد. آنگونه که از ظواهر برمی آید، قرار نیست تاخت و تاز و تخریب در عرصه های طبیعی کاهش یابد بنابراین سازمان حفاظت از محیط زیست نیز بد نیست مسئولیت خود را در بخش «حفاظت»؛ به صافکاری و مرمت پس از ساخت و ساز در عرصه های طبیعی تغییر دهد تا دست کم در آن بخش مهارت و دانش و تجربه لازم کسب شود.